262254 ـ حکم دعا به غیر عربی در نماز و خارج از نماز

سوال

در فتاوای شما دربارۀ حکم دعا به زبان انگلیسی در سجدۀ نماز فرض جستجو کردم اما پاسخ‌ها متفاوت بود. پاسخ‌های شمارۀ (11588) و (20953) را ببینید. بنابراین خواهشمندم این مسئله را توضیح دهید. سؤال دوم من این است: حکم دعای غیر مأثور (دعایی که در قرآن و سنت نیامده) به زبان و گویش و روش خود ما ـ چه به عربی و چه به غیر عربی ـ چیست؟ آیا از آنجایی که الله عزوجل همۀ زبان‌ها را می‌داند دعا به هر زبانی جایز است؟

خلاصه‌ی پاسخ

دعا به غیر عربی برای کسی که زبانش چنین است جایز است به ویژه اگر آموختن عربی برایش دشوار باشد و او می‌تواند هر خیری از خیرات دنیا و آخرت را که می‌خواهد در دعایش بخواهد و شرط نیست که آن دعا مأثور باشد.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا: دربارۀ دعا به غیر عربی در نماز، علما اختلاف دارند. برخی این را حرام می‌دانند و برخی مکروه و برخی این را برای کسی که نمی‌تواند به عربی دعا کند جایز دانسته‌اند.

و پاسخ‌هایی که در سایت ما آماده در تضاد با یکدیگر نیستند، زیرا ما برای کسی که نمی‌تواند به عربی دعا کند در پاسخ شمارۀ (20953) قول به جواز را برگزیده‌ایم.

اما پاسخ شمارۀ (11588) فتوای شیخ عبدالکریم الخضیر ـ حفظه الله ـ است و اصل در نقل فتوا از علما این است که فتوا چنان که هست نقل شود حتی اگر مخالف چیزی باشد که سایت برگزیده است.

اقوال فقها دربارۀ این مسئله چنین است:

آنچه از احناف دربارۀ دعا به غیر عربی آمده کراهت است؛ زیرا عمر ـ رضی الله عنه ـ از رطانت اعاجم نهی کردند و رطانت چنانکه در فرهنگ لغت آمده سخن گفتن به زبان غیر عربی است. ظاهر این تعلیل چنین است که دعا به غیر عربی خلاف اولی است و کراهت اینجا کراهت تنزیه است [نه کراهت تحریم].

و بعید نیست که دعا به غیر عربی در نماز مکروه تحریمی باشد و در خارج از نماز مکروه تحریمی.

مالکیان اما چنانکه ابن عابدین از قرافی نقل کرده دعا به غیر عربی را حرام می‌دانند و تعلیلشان چنین است که این منافی بزرگداشت است، اما لقانی این سخن قرافی را مقید به زبان غیر عربی که معنای ناشناخته‌ای دارد دانسته و این را از تعلیل او برداشت کرده زیرا دربر دارندهٔ چیزی است که منافی جلال پروردگار است.

اما اگر معنای آن را بداند استفاده از آن در نماز و غیر نماز به طور مطلق جایز است، به دلیل این سخن حق تعالی که می‌فرماید:

وَعَلَّمَ آدَمَ الأَسْمَاء كُلَّهَا [بقره: ۳۱]

(و الله همهٔ نامها را به آدم آموخت)

و این سخن حق تعالی که می‌فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلاَّ بِلِسَانِ قَوْمِهِ [ابراهیم: ۴]

(و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم)

و این همان چیزی است که دسوقی نیز به صراحت بیان کرده است.

شافعیان در این باره تفصیل دارند و می‌گویند: دعا در نماز یا دعای مأثور است (در قرآن و سنت آمده) و یا غیر مأثور.

و دعای مأثور بر سه وجه است:

صحیح‌ترین وجه که مذهب حنبلیان نیز چنین است اینگونه است که برای کسی که عربی نمی‌داند [گفتن دعای مأثور] به غیر عربی جایز است اما برای کسی که عربی می‌داند جایز نیست و اگر چنین کند نمازش باطل می‌شود.

وجه دوم این است که برای هرکه عربی نمی‌داند و غیر او جایز است.

و بر اساس وجه سوم برای هیچ‌یک از آنان جایز نیست زیرا ضرورتی به آن نیست.

اما دعای غیر مأثور در نماز: به طور قاطع اختراع چنین دعایی و گفتن آن در نماز جایز نیست.

اما سایر اذکار مانند تشهد نخست و درود بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در آن و قنوت و تسبیح در رکوع و سجده و تکبیرهای انتقال، بر اساس جواز دعا به غیر عربی من باب اولی جایز است.

وگرنه دربارهٔ جایز بودن آن برای شخصی که [از خواندن آن به عربی] ناتوان است چند وجه است:

صحیح‌ترین آن جواز است و وجه دوم عدم جواز است و قول سوم این است که در آنچه با سجدهٔ سهو جبران می‌شود جایز است».

ثانیا:

برای انسان جایز است که دعای غیر مأثور را که شامل هر خواستهٔ مباحی بدون از حد به در شدن در دعا و گناه و قطع صلهٔ رحم باشد، ولو به عربی عامیانه یا به غیر عربی در خارج از نماز و در نماز ـ در صورت ندانستن عربی ـ بگوید.

شکی در این نیست که دعای مأثور خیر بسیار بزرگی دارد اما شاید انسان نیاز داشته باشد که برای خودش یا کسی که دوستش دارد چیزی از خیر دنیا و آخرت بخواهد یا از الله بخواهد که زیان و شری را از او دور سازد و این بابی است وسیع و امر آن آسان است و لازم نیست که به دعای مأثور پای‌بند بماند.

مدار دعا بر حضور قلب و روی آوردن صادقانه به الله تعالی است ـ به هر زبانی که باشد ـ و الله تعالی همهٔ صداها را می‌شنود و زبان‌ها را می‌داند و ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین از او پنهان نمی‌ماند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «اما آنکه مخلصانه الله را با دعایی جایز به فریاد بخواند، الله دعایش را شنیده و اجابت می‌کند، چه این دعا به عربی [خالص] باشد یا ملحون و دارای اشکال...

بلکه برای دعا کننده شایسته آن است که اگر اِعراب و درست گفتن عربی [طبق قواعد اعراب] برایش آسان نیست برای [درستی] اِعراب تکلف نورزد. یکی از سلف می‌گوید: هرگاه اِعراب بیاید، خشوع می‌رود.

این مانند مکروه دانستن سجع مکلف در دعاست، اما اگر سجع بدون تکلف باشد اشکالی ندارد.

زیرا اصلِ دعا از دل است و زبان تابع دل است و کسی که همهٔ توجهش در دعا این باشد که زبانش به درستی کلمات [و اعراب و دستور زبان] را ادا نماید، توجه دلش ضعیف می‌شود.

برای همین شخص درمانده چنان با دلش دعا می‌کند که برایش گشایش حاصل می‌شود بدون آنکه از پیش آن دعا را حاضر کرده باشد و این چیزی است که هر مؤمنی با دلش به آن پی می‌برد.

و دعا هم به عربی و هم به غیر عربی جایز است.

الله تعالی نیز قصد دعاکننده و مرادش را می‌داند حتی اگر زبانش را [به بیان صحیح کلمات] استوار نکرده باشد چرا که او

همهٔ صداها را با اختلاف زبان‌ها و تنوع نیازها می‌داند» (الفتاوی الکبری: ۲/ ۴۲۴).

از جمله ادلهٔ دال بر جایز بودن دعای غیر مأثور در نماز، این سخن پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ است که می‌فرماید: «سپس هر خواسته‌ای را که می‌خواهد برمی‌گزیند» و در لفظی دیگر: «سپس از دعا هر آنچه را که پسندید برمی‌گزیند و با آن دعا می‌کند» به روایت بخاری (۸۳۵) و مسلم (۴۰۲) و این دربارهٔ دعای پیش از سلام نماز [پس از تشهد] است.

شیخ ابن باز ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «احادیث در این معنا پرشمار است و این نشان می‌دهد که در این مواضع مشروع است که مسلمان هر چه را دوست دارد چه متعلق به آخرت باشد و چه متعلق به منافع دنیوی در دعایش بیاورد، به شرط آنکه دعایش شامل گناه و قطع رابطهٔ خویشاوندی نباشد، و بهتر آن است که دعاهای مأثوری که از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نقل شده را بسیار بگوید» (فتاوی الشیخ ابن باز (۱۱/ ۱۷۲).

خلاصه آنکه:

دعا به غیر عربی در نماز برای کسی که زبانش این است (غیر عربی است) جایز است، به ویژه اگر آموختن عربی برایش دشوار باشد.

و او می‌تواند هر چه از خیر دنیا و آخرت را که می‌خواهد در دعایش بگوید و شرط نیست که دعایش مأثور باشد.

والله اعلم.